

فریضه مقدس جهاد

در مواجهه با چالش‌های جدید

عبدالهادی گمشادزهی
مدرس دارالعلوم زاهدان

رسیدن به آرمانهای مقدس الهی؛ جهاد با این معنای وسیع وظیفه همه اقشار جامعه حتی زنها است. (۲) به همین خاطر در تعالیم اسلامی بجای کلمه «حرب» از جهاد استفاده شده که در برگرفته همه این معانی باشد. دلیل این امر وجود آیات مکی قرآن مجید است که بر مسأله جهاد تأکید دارد از جمله آیه ۵۲ از سوره فرقان: «فلا تطع الكافرين و جاهدهم به جهاداً كبيراً» و یا آیه مبارکه ۱۱۰ از سوره نحل «ثم ان ربك للذین هاجروا من بعد ما قتلوا ثم جاهدوا و صبروا ان ربك من بعدها لغفور رحيم»

این آیات شریفه به معنی عام جهاد دلالت دارند زیرا این آیات مکی هستند و همه می دانیم که جهاد به معنی مبارزه مسلحانه در مکه مشروع نبود.

در احادیث رسول اکرم ﷺ نیز به معنی عام جهاد زیاد تأکید شده است «المجاهد من جاهد نفسه فی طاعة الله و المهاجر من هجر ما نهی الله عنه»؛ (۳) جهاد را باید از خویشتن آغاز کرد با ترک معاصی و اطاعت از اوامر الله. در حدیث دیگری این مسأله بصورت واضح تر بیان شده «افضل الجهاد كلمة حق عن سلطان جائر»؛ (۴)

در این حدیث شریف رسول اکرم ﷺ ایستادگی در برابر ظالم و جلوگیری از انجام منکر بوسیله زبان را افضل الجهاد قلمداد فرمودند.

اگر به تاریخ پرافتخار اسلام و زندگی رسول اکرم ﷺ و صحابه توجه کنیم آنها را از آغاز بعثت تا لحظه وفات در حال مجاهده در راه الله می بینیم.

روزی در مکه و در میان مشرکین در بدترین شرایط و در مواجهه با انواع شکنجه‌ها و تحریم‌ها، و روزی در راه هجرت با تحمل رنج سفر و غم غربت؛ و روزی نیز در مدینه در حال تشکیل جامعه اسلامی و تأسیس نهادهای نظام الهی و تعلیم قرآن و حکمت برای رویارویی علمی با جهان کفر و روزی نیز در میدان کارزار با تقدیم خون پاک عزیزترین انسانهای روی زمین؛ به این امید که با اهدای این خونها و فداکاری‌ها بقای این دین تا قیامت

اسلام دین عدالت و منطق و دربرگیرنده سعادت دنیا و آخرت جامعه بشری است، یکی از افتخارات این دین آمیخته بودن آن به حکومت و جهاد است. اسلام همچون مسیحیت نیست که تنها محدود به کلیساها و معابد باشد، بلکه دستور العملی است جامع برای تمام مراحل زندگی بشر و برای تمام اقشار آن. از آنجایی که یکی از رسالتهای دین اسلام گسترش عدل و مساوات در جامعه و ریشه کن کردن نابرابری و فساد در عالم است، بدیهی است که صاحبان قدرت و ثروت پیام آنرا بر خلاف مصالح و مطامع خویش دیده در مقابل آن همچون فرعونها و نمرودها صف آرایی کرده، مانع گسترش آن گردند.

از این رو، این دین باید برای رسیدن به اهداف خویش تضمین اجرایی داشته باشد، و الا نه تنها توان رهایی مظلومین و گسترش عدالت را نخواهد داشت بلکه خود در برابر توطئه‌های دشمنان به اضمحلال کشیده می‌شده و از بین خواهد رفت.

قانون جهاد در اسلام در واقع تضمین اجرایی آن است البته جهاد تنها به معنی جنگ مسلحانه علیه دشمن خارجی نیست بلکه در برگیرنده بسیاری از فعالیت‌های فکری، علمی، اقتصادی، سیاسی، معنوی و نظامی است که برای هدف واحدی یعنی اعلاهی کلمه الله و گسترش عدالت در جهان انجام می‌گیرد.

جهاد یعنی استفاده از تمام نیروها و امکانات برای

۲- عن عائشه (رض) قالت یا رسول الله ﷺ هل علی النساء جهاد؟ قال جهاد لا قتال فیہ، الحج و الهجرة
۳- الجوزیه ابن القیم، زاد المعاد، ج ۳ ص ۴، دار الفکر بیروت
۴- سجستانی ابوداود، سنن ابی داود

سرانجام مغولهایی که صرفاً با آزمندی و با انگیزه چپاول به این سرزمین حمله آورده بودند و با پیروزی در میدان جنگ ظاهراً به آرزوهایشان رسیده بودند، در جبهه فرهنگی و در مقابل منطق برتر اسلام شکست خورده و جذب فرهنگ و تمدن اصیل آن شدند.

از جانب دیگر وقتی ما روزهای آغاز دعوت اسلام را مورد بررسی قرار می‌دهیم متوجه می‌شویم که چند عنصر در دعوت رسول اکرم ﷺ نقش مهم داشتند:

اولاً اندیشه اصلاح جامعه و احساسات خیرخواهانه نسبت به تمام عالم بگونه‌ای که شبها در خلوت خویش با پروردگارشان باگریه و تضرع اصلاح جامعه را از خداوند مسألت می‌نمودند.

دوم فصاحت بیان و اعجاز قرآن به عنوان زبان دعوت و عنصر سوم اخلاق پسندیده و برخورد کریمانه به عنوان سیره عملی دعوت، و دیگر این که معجزه‌ی رسول اکرم ﷺ بجای عناصر طبیعی همچون باد، طوفان، دریا و غیره قرآن مجید است.

حقا که فصاحت و بلاغتش باعث بهت و حیرت بشریت گردید و حقانیت این دین را بر همگان آشکار ساخت. و این خود نشانگر این امر است که اسلام به میادین فرهنگی بیش از میادین نظامی اهمیت داده است. دین اسلام از همان ابتدا مخالفین خویش را دعوت به مبارزه علمی کرده است، آنجا که می‌فرماید: «و ان کتتم فی ریب مما نزلنا علی عبدنا فاتوا بسورة من مثله وادعوا شهدائکم من دون الله ان کتتم صادقین»؛^(۱) اگر درباره آنچه بر بنده‌ی خود نازل کرده ایم دچار شک و دو دلی هستید، سوره‌ای همانند آن بسازید و گواهان خود را به جز الله فرا خوانید اگر راستگو هستید.

اسلام هرگز کسی را مجبور به پذیرش عقیده اسلامی نکرده است بلکه قرآن مجید صراحت دارد به این که پذیرش عقیده اسلام اختیاری است «فمن شاء فلیؤمن و من شاء فلیکفر»؛^(۲) پس هر کس که می‌خواهد ایمان بیاورد و هر کس می‌خواهد کافر شود.

اسلام از پیروانش می‌خواهد که خود را برای رویارویی در همه میادین از جمله میادین علمی، فکری،

آیا اسلام به زور شمشیر گسترش یافته است؟ از دیر باز این اتهام که اسلام با خونریزی گسترش یافته و برای حل مشکلات جامعه راه حلی جز شمشیر ندارد از سوی دشمنان اسلام مطرح می‌گردد.

عملکرد بعضی از مسلمانانی که از اسلام جز لبه تیز شمشیر چیزی دیگری را درک نکرده‌اند نیز به این اتهامات قوت بخشیده است.

در حالیکه تاریخ ۱۴۰۰ ساله اسلام گواه است که آنچه باعث گسترش و ماندگاری اسلام شده است، اعجاز قرآنی، اصالت مبانی و منطق برتر آن بوده است، بهمین خاطر امروزه ما در مناطقی از جهان که در طول تاریخ هیچ گونه لشکرکشی نظامی به آنجا نشده است شاهد حضور میلیونی مسلمین هستیم.

گر چه اسلام با نیروی جهاد، دست طمع دشمنان اسلام را از جامعه اسلامی کوتاه کرده و بسیاری از موانع را از راه هدایت بشر برداشته است اما هرگز سرنوشت اسلام بستگی به پیروزی و یا شکست نظامی در میادین جنگی نداشته است و الا بارها مسلمین مورد تهاجم وحشیانه قدرتهای مادی قرار گرفته و ظاهراً شکستهای سختی را نیز متحمل شده‌اند، حال اگر گسترش اسلام مرهون پیروزی در جنگ بود اصولاً پس از چنین شکستهایی باید دچار انحطاط شده و از بین می‌رفت، همانگونه که بسیاری از تمدن‌های مادی همچون تمدن‌های ایران و روم و غیره پس از شکستهای نظامی از بین رفتند. نمونه‌ای از این شکستها را ما در حمله مغول‌ها به سرزمین اسلامی مشاهده می‌کنیم.

در این تهاجمات نظامی مسلمین کاملاً از نظر نظامی شکست خورده و تسلط خویش بر سرزمین شان را از دست دادند و نه تنها تعداد کثیری از مسلمین قتل عام شدند بلکه زیر بناهای فرهنگی و اقتصادی نیز از بین رفت.

اما از آنجایی که دین اسلام بر خلاف تمدنهای مادی دارای رسالتی فرهنگی و الهی بود نه تنها از بین نرفت بلکه بر عکس نتیجه این جنگها را به نفع خویش تمام کرد.

معنی فرض کفایه این است که انجام این فریضه فی الجمله بر عهده مسلمین است، اگر در میان امت اسلامی گروهی به انجام آن مشغول باشند به شرطی که دارای نیرو، اسلحه و امکانات کافی برای جنگ باشند و در مقابل حملات دشمن آسیب پذیر نباشند این فریضه از عهده‌ی بقیه ساقط است، در غیر اینصورت کلیه مسلمین بخاطر ترک این فریضه گنهگار می‌گردند.

فلسفه جهاد

هدف اسلام از «جهاد» در مرحله اول این است که در وجود پیروانش تعهد، مسؤولیت و خودشناسی بیافریند و آنان را برای بذل جان در راه خدا و کمک به همنوعانشان آماده کند.

اسلام به پیروانش می‌آموزد که جهاد میدان قتل و انتقام‌گیری نیست بلکه هدف از جهاد‌گزینش عقیدتی و فکری معارف اسلامی و گسترش عدالت و آزادی در جهان است.

اگر چه در جهاد نهایتاً پیروزی با مسلمین خواهد بود اما این بدان معنی نیست که در جنگ شکستی متوجه مسلمین نخواهد بود. زیرا جهاد همچنانکه میدان ظهور حق بر باطل است، میدان ابتلاء و آزمایش مؤمنین نیز می‌باشد. در همین میدان است که مؤمنین درس صبر و استقامت فرا می‌گیرند و الا خداوند متعال قادر بود بدون نیاز به کسی کلمه الله را در جهان به اهتزاز در بیاورد همانگونه که قرآن مجید به این نکته اشاره دارد: «و جعلنا بعضکم لبعض فتنة اتصبرون و کان ربکم بصیراً»؛ (۲)

«ذک و لویشاء الله لاتنصر منهم و لکن لیبلو بعضکم ببعض»؛ (۳)

در جهاد شکست و یا پیروزی مهم نیست. آنچه مهم است نتیجه‌ای است که از آن حاصل می‌شود هم برای خود مجاهد و هم برای جامعه اسلامی، نتیجه جهاد برای شخص موفقیت او را در این آزمایش الهی چه با پیروزی بر دشمن و چه با نایل شدن به فیض شهادت است و برای جامعه اسلامی بهره‌مندی از امنیت و

صنعتی و نظامی آماده کنند و در هر میدان با همان وسایل و ابزار وارد شوند، اسلام هرگز اجازه نمی‌دهد که در مقابل اندیشه‌های مخالف کسی با خشونت وارد شود بلکه توصیه می‌کند که در مقابل قلم مخالفین با قلم و در مقابل فکر مخالفین با فکر و البته در مقابل شمشیر با شمشیر مبارزه شود و در واقع معنی آیه شریفه «و اعدوا لهم ما استطعتم من قوه»؛ (۱) هم همین است.

مسلمانان نیز با توجه به همین تعلیمات خود را با نیروی علم و منطق آراسته کرده و اقدام به نوآوری‌هایی در میادین علمی کردند و علوم جدیدی را به وجود آورده و رونق دادند. بگونه‌ای که جهان متمدن و پیشرفته امروز تا حد زیادی مدیون علوم مختلف اسلامی است.

همه‌ی این کارها را اسلام قرن‌ها پیش انجام داده است در حالیکه سران صلیبی غرب و طلایه داران به اصطلاح مبارزه با تروریسم تا همین اواخر گرفتار وحشی‌گری، تبعیض نژادی تفتیش عقاید، بمب اتمی و غیره بوده و هستند.

واقعاً جای تعجب است که طراحان دو جنگ بزرگ جهانی و بزرگترین جنایتکاران جهان خود را صلح طلب معرفی کرده انگشت اتهام را بسوی اسلام بگیرند.

تعریف جهاد

جهاد در لغت از جهد به معنای تعب و مشقت و از جهد به معنای وسع و طاقت است.

جهاد یعنی استفاده از تمام نیرو و توان خود برای مقابله با دشمنانی که ایمان به خدا ندارند و هیچگونه تعهد و قرار دادی نیز با مسلمین نداشته باشند، البته پس از آن که با آنها از راه مذاکره پیشنهاد پذیرش اسلام و یا حکومت اسلامی مطرح شود.

هدف از جهاد باید اعلائی کلمه الله، دفاع از آرمانها و سرزمین اسلامی و دفع شر و فتنه از عالم باشد.

حکم جهاد

شرکت در مبارزه مسلحانه علیه دشمن خارجی فرض کفایه است بدلیل آیات شریفه «کتب علیکم القتال و هو کره لکم / و قاتلوا حتی لاتکون فتنة و یکون الدین کله لله» و آیات متعدد دیگری.

۲- فرقان: ۲۰

۱- انفال: ۶۰

۳- محمد: ۴

سربلندی در جهان.

اما مهمترین هدف جهاد اعلاى كلمه الله در زمين و شكستن ابهت و شوكت كفر است.

از همين روست كه در جهاد منطقه‌اى خاص و يا اقوام خاصى مطرح نيست، بلكه جهاد برنامه‌اى است فراگير براى آزادى جوامع بشرى از اسارت حكومتهاى طاغوتى و ايدئولوژى‌هاى شيطانى.

اين اهداف بلند جهاد را ما در جملات تاريخى صحابى جليل القدر ربعى بن عامر خطاب به سرداران سپاه ايران به وضوح مى‌بينيم كه فرمود: «الله ابتهتنا لنخرجكم من عبادة الابدان الى عبادة الله وحده و من ضيق الدنيا الى سعتها و من جور الاديان الى عدل الاسلام»؛^(۱) خداوند ما را به سوى شما مبعوث داشته تا شما را از پرستش مخلوقات به پرستش خداى يكتا و از تنگى دنيا به فراخناى آن و از ستم اديان باطله به عدالت رهنمود سازيم.

چرا ما مى‌خواهيم عظمت و اقتدار كفر بشكند؟

البته هدف از شكستن شوكت كفر هرگز سرنگونى يك حكومت و دودمان و بر سر قدرت آوردن دودمانى ديگر نيست، بلكه هدف از ميان برداشتن موانعى است كه در راه اهداف الهى اسلام و جهاد قرار دارد زيرا تا زمانى كه كفر بر سر اقتدار بوده و نهادهاى قدرت را در اختيار داشته باشد، از كليده امكانات براى جلوگيرى از حق و عدالت و رسيدن هدايت به انسانها استفاده خواهد كرد و با قايل شدن به امتيازات ويژه براى خود ديگران را از حق شان محروم خواهد كرد.

همانگونه كه امروز سران شرق و غرب با تسلط بر نهادهاى قدرت و تصميم گيرى جهان و برخوردارى از حق «وتو» در شرايطى نابرابر با ملل ديگر برخورد کرده آنها را از حقوق قانونى و انساني شان محروم مى‌كنند و هرگاه بخواهند با استفاده از همين ابزارها كشورى را مورد تحريم و يا تجاوز قرار داده خواسته‌هاى شان را بر آن تحميل مى‌كنند، حتى اين اجازه را به خود مى‌دهند كه براى ديگران دولت تعيين كنند.

و از طرفى طبيعت انسان بگونه‌اى است كه همواره از قدرت برتر متأثر مى‌شود از اين رو تا زمانى كه كفر بر سر

اقتدار باشد، ملل فقير جهان با ديدن جلوه‌هاى كاذب علمى، فرهنگى و اقتصادى كفر از آن متأثر شده كلييه آداب و رسوم آنها را به عنوان سنبل تمدن و پيشرفت مى‌پذيرد، حتى پيش پا افتاده ترين دروغهاى آنها را همچون حقايق مسلم قبول مى‌كند و هيچ صدايى را در مخالفت آنها باور نمى‌كند همانگونه كه بنى اسرائيل حتى پس از مرگ فرعون شكست او را باور نداشتند، و همانگونه كه امروز ملل فقير جهان تحت تأثير پيشرفته‌هاى مادى غرب فرهنگ آنها را نيز به عنوان فرهنگ برتر پذيرفته‌اند بگونه‌اى كه بسيارى از مردم براى عمل به آداب و رسوم غرب با همدیگر به رقابت مى‌پردازند و در ميان جوانان علاقه شديدى نسبت به فرهنگ و تمدن غرب بوجود آمده است.

اين امر به مراكز علمى نيز سرايت کرده بگونه‌اى كه بسيارى از حقايق علمى و مسلم نيز زماني ارزش علمى پيدا مى‌كند كه مورد تأييد دانشمندان غربى باشد.

آنچه اسلام مى‌خواهد اين است كه اين جلوه‌هاى كاذب از بين رفته محيطى مناسب و برابر براى فعاليت افكار ايجاد شود، و طبيعى است كه وقتى اين پرده‌ها كنار زده شوند، حق و باطل چهره واقعى خود را نشان خواهد داد.

فرق اسلام و مسيحيت

مسيحيت مى‌گويد «هر كس بر گونه راست تو سيلى زد گونه ديگر را هم بسوى او برگردان تا سيلى ديگرى بزند و افتخار هم مى‌كند كه در آن نامى از جنگ و انتقام گيرى نيست.

اما اسلام افتخار مى‌كند كه قانونى جامع به نام جهاد دارد و مى‌گويد «قاتلوا فى سبيل الله الذين يقاتلونكم»؛^(۲) و در راه خدا بجنگيد با كسانى كه با شما مى‌جنگند.

اصولاً نداشتن يك قانون نه تنها مايه افتخار نيست، بلكه از نواقص بزرگ يك تمدن و ديانت به شمار مى‌رود. دينى كه در آن وسيله‌اى براى جلوگيرى از

۱- الدمشقى، ابن كثير، البداية و النهاية، ج: ۷، ص: ۴۶، دار احياء التراث العربى، بيروت
۲- بقره: ۱۹۰

تجاوز و دفاع از مظلومین نباشد نمی‌تواند تمدنی جامع برای اداره جامعه و جهان باشد زیرا چنین دیدگاهی باعث جرأت و جسارت ظالم و بی‌پناهی مظلوم می‌گردد.

البته مسیحیت دیانتی جهان شمول نبوده و تنها نقصش این نیست که قانون جهاد ندارد بلکه بسیاری از قوانین اجتماعی دیگر را هم ندارد.

جای تعجب است که مسیحیت از جانی چنین قیافه‌ی مظلومانه‌ای به خود گرفته اما از جانی دیگر جهان غرب با تشویق ارباب کلیسا بزرگترین جنایات جنگی را مرتکب می‌شود و جنگهای ویرانگر خود علیه مسلمین را جنگ مقدس و جنگ صلیبی نیز می‌خوانند، و از آنجایی که قانونی وجود ندارد که آنها را ملزم به رعایت آن کند آنها هر جنایتی که بخواهند انجام می‌دهند و در ممالک مقهور هرگونه که بخواهند عمل می‌کنند.

اما اسلام از آنجایی که تمدن جهان شمول و دستور العملی جامع برای سعادت بشر است، در هر بخش از زندگی انسانها قوانینی وضع کرده و در واقع هیچ یک از نیازهای بشری را بی پاسخ نگذاشته است، نیاز بشر برای دفاع و حفظ موجودیت نیز نیازی معقول است، و اسلام به این نیاز پاسخ مناسب گفته است. قرآن به کسی که مورد ظلم واقع شده دستور می‌دهد که بجای مظلوم‌نمایی به دفاع از خود برخیزد: «فمن اعتدى علیکم فاعتدوا علیه بمثل ما اعتدى علیکم»^(۱) هر که راه تعدی و تجاوز بر شما را در پیش گرفت بر او همانند آن، تعدی و تجاوز کنید.

اسلام به همان اندازه که ظلم و بیدادگری را بر نمی‌تابد ضعف و زبونی را نیز نمی‌پذیرد.

جهاد ابتدایی

جهاد فی سبیل الله از دو بخش اقدام و دفاع تشکیل شده است.

امروزه مستشرقین و بعضی از نویسندگان متأثر از فرهنگ غرب به زعم خود برای این که از جهاد دفاع کرده باشند آنرا در دفاع محدود ساخته جهاد تهاجمی را نوعی تجاوز به حقوق دیگران قلمداد می‌کنند، علت این اشتباه این است که آنها جهاد را با جنگهای متداول

امروزی مقایسه می‌نمایند که در آن هیچ هدفی جز بهره‌مندی از ثروتهای دیگران و گسترش قلمرو قدرت و سلطه وجود ندارد.

در حالیکه در جهاد اهداف محدود سیاسی و اقتصادی مطرح نیست، جهاد مقدس یک هدف کلی و جهانی دارد که همانا گسترش عدالت در جهان، نجات بشریت از بردگی و مادی‌گرایی و قطع ظلم و جور و استرداد حقوق مظلومین است و طبیعی است که برای رسیدن به این اهداف بلند دفاع و اقدام هر دو مشروع، موجه و دو بخش جهاد فی سبیل الله هستند.

البته اقدام به جهاد به این معنی نیست که کسی به خاطر اعتقاداتش مورد حمله قرار گیرد یعنی علت جهاد تنها عقیده و کفر دشمن نیست بلکه علت فتنه و توطئه‌ای است که از جانب آنها کیان و عقیده اسلامی را تهدید می‌کند.^(۲)

بهمین خاطر اسلام دستور به قتال با کفار را داده است نه قتل آنها را، و این نکته‌ی مهمی است یعنی اگر شخص غیر مسلمان اقدام به توطئه و عداوت نکند نه تنها مورد هجوم واقع نمی‌شود بلکه با آنها همزیستی مسالمت‌آمیز نیز برقرار می‌شود.

و حتی در بسجوحه جنگ، اسلام از کشتن سالخورده‌ها، زنها، کودکان و کسانی که در معابد و کلیسا هستند ممانعت کرده در حالیکه از نظر اعتقادی آنها نیز کافر هستند.

البته اقدام و دفاع دو مقوله جداگانه هستند و هر کدام شرایط ویژه‌ی خود را دارند.

شرایط اقدام به جهاد

برای اقدام به جهاد شرایطی وجود دارد که تنها پس از تکمیل آن شرایط اقدام به جهاد موجه خواهد بود.

۱- اولاً هدف باید اعلای کلمه الله و سربلندی دین باشد نه کشورگشایی و نه رسیدن به جاه و مقام.

۲- وجود امیر و امامی که همه به امارت او متفق

۱- بقره: ۱۹۴

۲- البوطی، محمد سعید رمضان، الجهاد فی الاسلام، ص: ۹۴، دارالفکر، دمشق

باشند زیرا جهاد از اعمال اجتماعی است و اقدام به آن از وظایف امام است و دیگر این که تنها امیر و رهبر متفق علیه می تواند نیروها را در کنار یکدیگر قرار داده و جهاد موفق را آغاز کند، در غیر اینصورت حتی اگر مسلمین در جهاد موفق هم بشوند پس از آن خطر اختلاف و درگیری داخلی وجود دارد.

۳- بهره مندی از امکانات نظامی روز و جمع آوری نیروی کافی برای مقابله و ادامه جهاد.^(۱)

عده ای می گویند امروز با توجه با این که قدرت نظامی و تسلیحاتی مسلمین به مراتب کمتر از نیروی کفار است و نمی شود در مقابل وسایل پیشرفته آنها مقاومت کرد، از این رو جهاد باید از عهده ما ساقط باشد.

باید توجه داشت که گر چه آمادگی نظامی لازمی جهاد است اما این بدان معنی نیست که نیروهای ما کاملاً به اندازه ی نیروهای کفر باشد، و اگر نگاهی به گذشته داشته باشیم، متوجه خواهیم شد که نیروی مسلمین هیچگاه به اندازه کفار نبوده است. اما با وجود این آنها به مصاف دشمن رفته و اغلب فاتحانه برگشته اند.

علت عدم مشروعیت جهاد در مکه

عدم مشروعیت جهاد در مکه به این خاطر نبود که مسلمین از نظر تعداد و تسلیحات کمتر از مشرکین بودند زیرا در مدینه و بعد از هجرت هم این نابرابری وجود داشت اما آنها با همان جمعیت اندک اقدام به جهاد کردند. آنگونه که در غزوه «بدر» با سیصد و سیزده نفر به مصاف یکهزار نفر رفتند و در غزوه «احد» با یکهزار نفر در مقابل سه هزار نفر مشرک قرار گرفتند.

قرآن مجید نیز کمبود نفرات را دلیلی برای ترک جهاد نمی داند آنجا که می فرماید: «و ان یک منکم عشرون صابرون یغلبوا مائین»^(۲) اگر بیست نفر شکیبا از شما باشد بر دویست نفر غلبه می کند.

این سنت الهی بوده که بارها نیروهای اندک را در مقابل نیروهای بزرگ پیروزی عنایت کرده است: «و کم من فئة قليلة غلبت فئة كثيرة باذن الله»^(۳) و چه بسیارند گروه های اندکی که به فرمان خدا بر گروه های فراوانی چیره شده اند.

عدم مشروعیت جهاد در مکه به این خاطر بود که

شرایط جهاد مخصوصاً بهره مندی از امکانات جهاد فراهم نبود زیرا امکان جهاد بر سه چیز استوار است:

۱- وجود سرزمین امن برای جمع آوری و آموزش مجاهدین (دارالاسلام)

۲- وجود نظام و حاکمیت برای بسیج افراد و امکانات

۳- وجود امت و جمعیت مستقل^(۴)

و دقیقاً اینها همان چیزهایی هستند که مسلمین در مکه نداشتند اما در مدینه بدست آوردند.

جهاد دفاعی

اصولاً دفاع یک قانون عمومی در عالم حیات است و همه موجودات زنده برای بقای خویش با عوامل نابودی شان در حال مبارزه اند و تمام قوانین آسمانی و بشری به شخص و یا مملکتی که مورد هجوم واقع شود این اجازه را می دهند که برای دفاع و حفظ موجودیت دست به هر اقدام منطقی بزنند.

از این رو هر منطقه ای از قلمرو پهناور اسلام اگر مورد تجاوز قرار بگیرد، دفاع از آن سرزمین وظیفه همه مسلمین است.

قرآن مجید در این باره می فرماید: «و ان استصروکم فی الدین فاعلیکم النصر»^(۵) و اگر (مسلمانان) به سبب دینشان از شما یاری خواستند کمک و یاری بر شما واجب است.

نحوه برخورد با اهل ذمه

همانگونه که در سطور بالا اشاره شد هدف از جهاد اعلای کلمة الله، فریاد رسی مظلومین و پایان دادن به حکومت ظلم و شرک در جهان است و در واقع تفاوتی که جهاد مقدس با لشکرکشی استعمارگران دارد در همین است که آنها ثروتهای طبیعی و مزایای جغرافیایی و سیاسی یک مملکت را توجیهی برای حمله به آن

۱- عثمانی، محمد تقی، تقریر ترمذی ص: ۲۰۹، ج: ۲، میمن اسلامک پبلشر-کراچی

۲- انفال: ۶۵ ۳- بقره: ۲۴۹

۴- البوطی، محمد سعید رمضان، الجهاد فی الاسلام، ص: ۸۰، دارالفکر، دمشق

۵- انفال: ۷۲

کشور می دانند، و وقتی تصمیم می گیرند که به مملکتی هجوم ببرند ابتدا با دروغ و نیرنگ عنوان می کنند که برای آباد کردن و ترقی به آنجا می روند اما به محض ورود نبض اقتصاد آنجا را به دست گرفته با ایجاد کمپانی ها و شرکت های به ظاهر ملی صنعت و تجارت آن ممالک را در انحصار خود می گیرند، و چون در این مرحله موفق شوند چهره واقعی خود را نشان داده و با ایجاد حکومت های دست نشانده خود را بر سرنوشت ملتها تحمیل می کنند.

اما اسلام از آنجایی که برای بدست آوردن چیزی اقدام به جهاد نمی نماید بلکه برای رساندن آنچه با خود دارد به دیگران، اقدام به این عمل می نماید، از این رو هرگز منافع مادی و سیاسی را در نظر نمی گیرد، بلکه صرفاً رسیدن به رضایت الله و نجات بشریت از آتش جهنم و از دست قوانین بشری را مد نظر قرار می دهد.

از این رو وقتی حکومت ظلم و شرک سرنگون می گردد و شهروندان از هر دین و آئینی اگر حکومت اسلامی را به رسمیت بشناسند و اطاعت کنند نه تنها از جانب حکومت آنها را خطری تهدید نمی کند بلکه حکومت اسلامی موظف است از جان و مال و ناموس آنها حمایت کرده برای آنها همان حقوقی را در نظر بگیرد که برای یک شهروند مسلمان در نظر گرفته می شود، حتی با قاتل یک شهروند غیر مسلمان همان برخوردی صورت می گیرد که با قاتل یک مسلمان می شود، در مورد قاتل یک فرد ذمی و هم پیمان وعیدهای سختی در احادیث آمده است: «عن عبدالله بن عمرو رضی الله عنه قال قال رسول الله ﷺ من قتل قتیلاً من اهل الذمة لم یجد ریح الجنة و ان ریحها لیوجد من مسیره اربعین عاماً»^(۱) از عبدالله بن عمرو رضی الله عنه روایت است که رسول الله ﷺ فرمودند: هر کسی از اهل ذمه کسی را بکشد بوی جنت به مشامش نمی رسد در حالی که بوی آن از مسیر چهل سال احساس می شود.

همچنین حکومت اسلامی موظف است آنها را در انجام وظایف دینی آزاد گذاشته هرگز آنها را مجبور به پذیرش اسلام نکند.

دلیل دیگری برای آزادی غیر مسلمین در دارالاسلام، وجود معابد و کلیساها در ممالک اسلامی

است.

فضایل جهاد و شهادت

جهاد مقدس اسلامی از آنجایی که فی سبیل الله و برای اعلای کلمه الله است سراسر فضیلت و سعادت است.

قرآن مجید کسانی را که به جهاد مشغول هستند در مرتبه ای بسیار بالاتر از دیگران قرار داده آنجا که می فرماید: «فضل الله المجاهدین علی القاعدین اجراً عظیماً»^(۲) و خداوند مجاهدان را بر وانشستگان (بدون عذر) با دادن اجر فراوان و بزرگ، برتری بخشیده است. در احادیث رسول اکرم ﷺ فضایل زیادی برای جهاد و شهادت آمده است، بطور نمونه به چند مورد از احادیث اشاره می شود.

«عن ابن مسعود ان رجلاً سأل النبی ﷺ ای الاعمال افضل قال الصلوة لوقتها و بر الوالدین ثم الجهاد فی سبیل الله»^(۳) عبدالله بن مسعود روایت می فرمایند که شخصی از رسول اکرم سؤال کردند کدام یک از اعمال از همه برتر است؟ فرمود: نماز که سر وقت خوانده شود و نیکی به والدین و پس از آن جهاد در راه خدا.

و همانگونه که جهاد در میان اعمال از بقیه اعمال با فضیلت تر است شخص مجاهد نیز از بقیه مؤمنین فضیلت بیشتری دارد.

«عن ابن عباس رضی الله عنهما قال قال رسول الله ﷺ الا اخبرکم بخیر الناس منزلاً قلنا بلی یا رسول الله قال رجل آخذ برأس فرسه فی سبیل الله عزوجل حتی یموت او یقتل»^(۴) ابن عباس روایت می فرماید که رسول اکرم ﷺ فرمودند: آیا بهترین انسان را برای شما معرفی نکنم؟ عرض کردیم: بله! فرمودند: مردی است که در راه خدا لجام اسبش را گرفته تا این که در این راه بمیرد یا کشته شود.

و در حدیث دیگری فرمودند: «ما احد یدخل الجنة یحب ان یرجع الی الدنيا و له ما علی الارض من شیء الا الشهید یتمنی ان یرجع الی الدنيا فیقتل عشر مرات لما یری

۱- نسایی، سنن نسایی، حدیث شماره ۴۶۶۹

۲- نساء: ۹۵

۳- بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح، حدیث: ۶۹۸۰

۴- نسایی، سنن نسایی، حدیث شماره: ۲۵۵۵

من الکرامه»^(۱) هیچ یک از اهل بهشت وقتی نعمتهای بهشت را می بینند دوست ندارد به دنیا برگردد. اگر چه تمام ثروتهای دنیا را به او بدهند، بجز شهید که دوست دارد به دنیا برگردد و بارها در راه الله شهید شود.

این آرزو بخاطر پذیرایی و احترامی است که در بهشت برای شهید مهیا شده است، طبیعی است این لذت را دیگر بهشتیان احساس نمی کنند و الا آنها نیز چنین آرزویی می کردند.

اما مهمتر از همه این فضایل این است که رسول اکرم ﷺ با آن همه جلالت شأن آرزو می کردند که در راه الله به شهادت برسند، چنانچه در حدیثی فرمودند: «و الذی نفسی بیده لودت انی اقتل فی سبیل الله ثم احیاء ثم اقتل ثم احیاء»^(۲) قسم به ذاتی که جان من در اختیار اوست دوست داشتم در راه خدا بارها کشته می شدم.

نتیجه ترک جهاد

از آنجایی که جهاد مقدس دو هدف عمده یعنی حفظ دستاوردها و آفریدن افتخارات جدید، را به دنبال دارد، با ترک جهاد هر دو هدف از دست می رود، یعنی نه تنها افتخاری نصیب اسلام و مسلمین نمی گردد بلکه باعث از بین رفتن دستاوردهای گذشته نیز می شود؛ از این رو نتیجه ترک این فریضه مقدس چیزی جز ذلت و خواری در دنیا و آخرت نیست.

اگر به تاریخ مراجعه کنیم و عروج و زوال ملتها را بررسی نماییم، بیشتر به این حقیقت پی می بریم که وقتی ملتی خوی سلحشوری را ترک می کند و تن به خوشگذرانی و محبت دنیا می دهد دچار ذلت و خواری می گردد.

دشمنان نیز وقتی به کیان اسلام طمع می کنند که بدانند مسلمین از این فریضه الهی فاصله گرفته اند، اینگونه نیست که اگر مسلمین این فریضه را ترک کرده و به بقیه امور مشغول گردند آنها نیز بی تفاوت می نشینند، بلکه همان گونه که امام غزالی فرموده اند: «الروم ان لم تغذ غزت» با رومی ها اگر جنگ نشود آنها خواهند جنگید.

ما این حقیقت آشکار را در تاریخ اسلام مشاهده

کردیم مثلاً در زمان حکومت بنی امیه با وجود این که بعضاً امرای بی لیاقتی زمام امور را به دست می گرفتند اما از آنجایی که مجاهدین اسلام در اقصی نقاط عالم مشغول جهاد بودند نه تنها تعرضی به مملکت اسلام نشد بلکه روز به روز به عظمت و شوکت آن افزوده شد اما وقتی این فریضه الهی ترک شد اجزای ممالک اسلامی یکی یکی از پیکره آن جدا شدند تا این که در عصر کنونی جهان اسلام قلب خویش یعنی فلسطین عزیز را نیز از دست داد، و در واقع ذلتی که امروز جهان اسلام در اقصی نقاط عالم با آن مواجه است نتیجه ترک جهاد است، گویا رسول اکرم ﷺ وضعیت امروز ما را ۱۴ قرن پیش مشاهده می کرد آنجا که فرمود: «لئن ترکتم الجهاد و اخذتم باذناب البقر و تبایعتم بالعینه لیلزمنکم الله مذله فی رقابکم لاتنفک عنکم حتی تتوبوا و ترجعوا الی ما کنتم علیه»^(۳) هرگاه شما جهاد را ترک کنید و دم گاوها را بگیرید (کشاورزی بکنید) و مشغول معاملات نقد و نسیه شوید، خداوند ذلت و خواری مسلط خواهد کرد که از شما جدا نمی شود تا این که توبه کنید و بر آنچه که بوده اید برنگردید.

آنچه از این حدیث شریف استنباط می گردد این است که ذلتی که در نتیجه ترک جهاد گریبان جامعه اسلامی را گرفته تنها با توبه و رجوع به این فریضه مقدس برداشته می شود.

وظیفه مادر قبال این فریضه مقدس

در شرایط کنونی که دنیای کفر با تهاجم همه جانبه فرهنگی، سیاسی و نظامی مقدسات، تمامیت ارضی و استقلال کشورهای اسلامی را مورد تعرض قرار داده و هر نوع اقدامی را برای سرکوب مسلمین و توهین به مقدسات اسلامی برای خود مجاز می شمارد. وظیفه ما به عنوان مسلمان بسیار سنگین شده است و لازم است هر فرد مسلمان تا حد توان خود به مقابله با این هجوم وحشیانه بپردازد.

۱- بخاری محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح، حدیث: ۲۶۰۶

۲- بخاری، محمد ابن اسماعیل، الجامع الصحیح، حدیث: ۲۵۸۸

۳- احمد بن حنبل، مسند احمد، حدیث شماره: ۲۷۶۵

۱- برای این کار قبل از هر چیز لازم است به خودسازی پرداخته با نیت صحیح اقدام کند، زیرا ارزش اعمال بستگی به نیت و اخلاص شخص دارد.

حضرت ابوموسی اشعری رضی الله عنه در روایتی از رسول اکرم صلی الله علیه و آله می فرمایند: «قال جاء رجل الى النبي صلی الله علیه و آله فقال الرجل يقاتل للمغنم و الرجل يقاتل للذكر و الرجل يقاتل ليري مكانه فمن في سبيل الله؟ قال من قاتل لتكون كلمة الله هي العليا فهو في سبيل الله»؛^(۱) مردی آمد نزد رسول اکرم صلی الله علیه و آله و گفت: مردی به خاطر مال غنیمت می جنگد و پس مردی برای شهرت و دیگری برای کسب مقام، پس کدامیک در راه خدا است؟ فرمود: «هر کس بخاطر اعلای کلمة الله جهاد کند او در راه خدا است».

۲- جهاد علمی و فکری: امروزه دشمنان اسلام جبهات مختلفی را علیه اسلام گشوده اند و در کنار جنگهای نظامی و بلکه قبل از آن اقدام به جنگ روانی، تبلیغاتی و فرهنگی می نمایند و به هنگام تخصیص بودجه برای نیروهای نظامی خویش، بودجه هایی هم برای مراکز فرهنگی و تبلیغاتی اختصاص داده رسانه های خبری مخصوص شرایط جنگ راه اندازی می کنند.

تأثیر این تبلیغات امروزه در اکثر جوامع اسلامی به چشم می خورد و متأسفانه مشاهده می شود که جوانان و تحصیل کردگان ما عیناً همان چیزی را تکرار می کنند که رسانه های غربی القاء می کنند و تعریف اسلام و حرکت های اسلامی را می خواهند از زبان آنها بشنوند و یاد بگیرند.

این امر اهمیت جهاد فکری را در شرایط کنونی افزایش داده وظیفه علما و متفکرین را سنگین می نماید، البته در گذشته نیز علما با آگاهی از شرایط زمان به مقابله با تهاجمات پرداخته اند اما امروز این جبهه بسیار وسیع شده است. امروز نیاز است که با تحقیق و استفاده از ابزارها و امکانات روز با بررسی اوضاع و شناخت امکانات و روحیات دشمن با تهدیدات جدید مقابله شود.

این وظیفه علما است که تبلیغات مسموم کفر علیه اسلام را خنثی کرده غبار تهمت ها و افتراها را از چهره اسلام بزدایند.

قطعاً امروز ارزش قلم یک محقق و کار یک داعی کمتر از شمشیر یک مجاهد در میدان نبرد نیست بلکه به مراتب بیشتر است.

۳- اعتماد به نفس: یکی از مشکلات امروز جامعه اسلامی وجود یأس و ناامیدی است که اغلب جوانان مسلمان به آن مبتلا هستند و شاید یکی از تفاوت های جوانان امروز با جوانان صدر اسلام در همین است که آنها از قدرت و شوکت دشمن هرگز نمی هراسیدند. آنها با ایمان به الله و اعتماد به خویش و امید به آخرت کارهای ناممکن را ممکن ساختند، قدرتهای تسخیر ناپذیر آن زمان را مسخر کرده سعادت دنیا و آخرت را از آن خویش کردند. آنها مرگ در راه الله را دوست داشتند و شهادت در راه الله به اندازه تمام لذتهای دنیا برایشان لذت بخش بود، آنها منتظر قضاوت دیگران در مورد خود نبودند و در راه الله از ملامت هیچ ملامت کننده ای هراس نداشتند.

اما جوانان امروز با دیدن پیشرفتهای مادی دشمنان اسلام مرعوب گشته و تحت تأثیر تبلیغات دروغین آنها از خود بیخود شده و محو تمدن آنها شده اند.

جوانان امروز قدرت سیاسی، نظامی غرب را تسخیر ناپذیر می دانند و توانایی های آنها را بیش از آنچه که هست تبلیغ می کنند، گویا خود به دستگاه تبلیغاتی به نفع غرب تبدیل شده اند.

۴- قطع ارتباط با دشمنان اسلام: امروزه یکی از حربه های دشمنان علیه اسلام ایجاد اتحادیه ها و بلوکها متحد و یافتن متحدان جدید در مقابل اسلام است.

علاوه بر تقسیم بندی های رسمی به هنگام بحرانهای جهانی- قدرتهای مادی شروع به یارگیری نموده کشورهای بیشتری را با خود همراه می کنند، حتی در بسیاری از موارد سعی می کنند بعضی از کشورهای اسلامی را هم با خود همراه کرده از امکانات خود مسلمین علیه آنها استفاده کنند و به این ترتیب هزینه خود را برای ضربه زدن به اسلام کاهش دهند.

رسول اکرم صلی الله علیه و آله قرن ها پیش این اتحادیه های ضد اسلام را پیش بینی فرمودند: «يوشك الامم ان تداعى

۱- بخاری، محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح، حدیث ۲۵۹۹

علیکم کما تداعی الاکله الی قصعتها»؛^(۱)

در چنین شرایطی برای یک مسلمان هرگز جایز نیست که با دشمنان اسلام ارتباط دوستی برقرار کرده آنها را در رسیدن به اهداف شومشان علیه اسلام یاری رسانند. قرآن مجید به صراحت از دوستی و محبت با کفار منع کرده و دستور محبت با مؤمنین را داده است: «و لا تتخذوا الیهود و النصارى اولیاء من دون المؤمنین». دشمنان اسلام در چنین مواقعی برای این که وحدت اسلامی در مقابل آنها تشکیل نشود با ایجاد تفرقه میان مسلمین و پر رنگ کردن اختلافات عقیدتی، سیاسی و فرهنگی مسلمین سعی می‌کنند آنها را از همدیگر دور نگهدارند، همچنین سعی می‌کنند عده‌ای را با اسامی واقع گرا و میانه رو با خود همراه کرده از صف مسلمین جدا سازند و به آنها بقبولانند که دوستشان هستند و فقط می‌خواهند تندروها و مرتجعین و تروریستها را از بین ببرند.

در حالیکه این دروغی بیش نیست، دشمنی آنها با اصل اسلام است اگر چه آن را اظهار نکنند آنها هرگز مسلمانان میانه رو را دوست ندارند اما ممکن است بخاطر مصالحی فعلاً با آنها کاری نداشته باشند، و اصلاً مرز میان تند روی و میانه روی را مشخص نمی‌کنند، ممکن است کسی که امروز به عنوان میانه رو و دوست تلقی می‌گردد فردا به عنوان مسلمان تند رو مورد قهر واقع شود.

قرآن مجید ۱۴ قرن پیش از این توطئه‌ها پرده برداشته است: «و لن ترضی عنک الیهود و لا النصارى حتی تتبع ملتهم»؛^(۲) یهودیان و مسیحیان هرگز از تو خشنود نخواهند شد مگر این که از آیین‌شان پیروی کنی.

این امر می‌طلبد که مسلمین اختلافات قومی، سیاسی و فرقه‌ای را کنار گذاشته در مواقع بحرانی در کنار یکدیگر قرار گیرند.

۵- خودداری از خرید محصولات دشمن: امروزه در حالیکه جهان غرب کشورهای اسلامی را به بهانه‌های مختلف مورد تحریم قرار داده و باعث از دست رفتن هزاران کودک و آواره شدن خانواده‌ها شده است، برای یک مسلمان مناسب نیست که با فروش مواد اولیه ارزان و خرید محصولات لوکس به اقتصاد آنها کمک کند،

طبیعی است بخش عظیمی از سود حاصل از این معاملات صرف ساخت تسلیحات و جنگ علیه مسلمین می‌گردد.

۶- انفاق فی سبیل الله یا جهاد مالی: یکی از مسائلی که باعث تقویت نیروی مسلمین در جهاد می‌گردد تأمین مخارج مجاهدین است، زیرا در صورت نبودن امکانات ممکن است بسیاری از مجاهدین نتوانند در جهاد شرکت کنند، تأمین مخارج جهاد بقدری اهمیت دارد که رسول اکرم ﷺ فرمودند: «من جهز غازیاً فی سبیل الله فقد غزاه»؛^(۳) هر کس مخارج یک مجاهد را تأمین کند گویا خود عملاً در جهاد شرکت کرده است.

و در واقع همین عمل نیک بود که اسامی یاران بزرگواری همچون حضرت ابوبکر، عثمان و عبدالرحمن بن عوف را در تاریخ ماندگار کرد.

۷- همدردی با مسلمانان مظلوم و آواره: یکی از مواردی که در جنگ و جهاد اتفاق می‌افتد آواره شدن مسلمانان مخصوصاً خانواده‌های مجاهدین است. پناه دادن و یاری رساندن به این عزیزان وظیفه شرعی هر مسلمان است.

۸- سرپرستی فرزندان شهداء: رسول اکرم ﷺ حرمت خانواده مجاهدین را همسان با حرمت مادر قرار دادند، همچنین درباره ایتام فرمودند: «انا و کافل الیتیم فی الجنة کھاتین و اشار باصبعیه یعنی السبابة و الوسطی»؛^(۴)

بار الها این فریضه‌ی مقدس را بار دیگر در امت اسلامی زنده بگردان و آن عظمت و مجد از دست رفته را به مسلمین برگردان «آمین یا رب العالمین»

۱- سجستانی ابوداود، سنن ابی داود، کتاب الملاحم، حدیث

شماره: ۳۷۲۵

۲- بقره: ۱۲۰

۳- بخاری محمد بن اسماعیل، الجامع الصحیح، کتاب الجهاد،

حدیث شماره: ۲۶۳۱

۴- ترمذی ابوعیسی، سنن ترمذی، کتاب البر و الصلة، حدیث

شماره: ۱۸۴۱